

خبر ویژه

کارگردان نمایش «مثل سوسوی فانوس آویخته»:

نمایش آبار تمانی که باید تجربه کرد



اجرای نمایش «مثل سوسوی فانوس آویخته» در آموزشگاه تئاتر آدمک فصل جدیدی در شیوه اجرای نمایش در اصفهان را رقم زد.نمایش آبار تمانی «مثل سوسوی فانوس آویخته» به کارگردانی پویان عطایی با ۳۰ بهمن‌ماه در آموزشگاه تئاتر آدمک روی صحنه است. عطایی، به جای استفاده از سالن‌های موجود در شهر، آستین بالا زده و با دست خالی بخشی از فضای آبار تمانی یک آموزشگاه تئاتر را برای اجرای نمایش خود تجهیز کرده است. گفت‌وگوی ایمنسا را با این کارگردان تئاتر می‌خوانید.

ما از سوسوی این فانوس آویخته بگویید.

نمایشنامه این کار به قلم محمدرضا کوهستانی نوشته شده و کاری در ژانر اجتماعی و خانوادگی است که به شیوه اجرای ملودرام روی صحنه رفته است؛ به این معنی که تماشاگر با دیدن آن لحظاتی می‌خندد و لحظاتی نیز به فکر فرو می‌رود. بازیگرانی مثل حسن جویریه،ابوالفضل شریفی، رحیم ملکی، احسان شهبازی و آذر بهارلو در این نمایش ایفای نقش می‌کنند و مریم دوستی ایرانی به‌عنوان دستیار کارگردان در آن فعالیت دارد.

ما گوشه‌ای از فضای یک آموزشگاه چطور ذهن شما را به سمت ایجاد فضایی برای اجرای تئاتر برد؟

وقتی متن نمایشنامه آقای کوهستانی را خواندم متوجه شدم که برای اجرای این نمایش به یک خانه نیاز دارم و به خودم گفتم اگر در یک سالن معمولی دکور یک خانه را بزنم هیچ اتفاق خاصی در نمایش من رخ نمی‌دهد. حدود یک سال در آموزشگاه تئاتر آدمک رفت‌وآمد داشتم و پرشی از فضای این آموزشگاه که داخل یک خانه است به نظرم مناسب این اجرا آمد. فکر کردم آدم‌های این قصه، می‌توانند زندگی‌شان را در همین گوشه بگذرانند؛ بنابراین پیشنهاد تبدیل این فضا را به صحنه‌ای برای اجرای نمایش به مدیریت آموزشگاه آدمک، دادم و او نیز موافقت کرد.

ما بازخوردهایی که از اجرای نمایش در این چند شب گرفته‌اید، چطور است؟ به‌وضوح می‌بینم و می‌شنوم که تماشاچی فوق‌العاده شگفت‌زده شده و به‌دلیل عین‌شدن فضای متن با مکان اجرا، توانسته خود را جزئی از قصه تصور کند. این هم‌ذات‌پنداری تا جایی پیش رفته که بعضی شب‌ها مخاطب دوست داشته حین اجرا وارد صحنه شود، بین شخصیت‌ها می‌انجی‌گری کند و حتی گاه خواسته که بازیگر ما را اکتب بزند!

ما با توجه به اینکه یک سالان به سالن‌های تئاتر شهر اضافه کرده‌اید، بر خورد مسئولان با نمایش «مثل سوسوی فانوس آویخته» چگونه بوده است؟ خوشحالم که توانستیم مجوز اجرای این نمایش را بگیریم؛ چون در اصفهان تا به‌حال هیچ نمایشی به شیوه آبار تمانی اجرا نشده بود؛ اما متأسفانه هیچ حمایتی از اجرای نمایش نشده و تنها حامیان ما تا این لحظه مردم بوده‌اند. برای یک آموزشگاه تئاتر کاربری سالن نمایش را تعریف کرده‌ایم و حداقل انتظار مان این است که مسئولان برای دیدن نمایش تشریف بیاورند و اگر از دیدن نمایش برمی‌آید این مکان را به‌عنوان یک تماشاخانه ثابت حفظ و تجهیز کنند.

«شعله» باتوق فیلم کوتاه اصفهان را گرفت

نسل فردا:چهل‌ومین نشست باتوق فیلم کوتاه اصفهان به‌اکران ونقدسه‌فیلم کوتاه ورونمایی از فیلم «شعله» ساخته‌مجتبی اسبنانی اختصاص دارد.سرپرست باتوق فیلم کوتاه اصفهان اظهار کرد: باتوق فیلم کوتاه اصفهان، در بخش نخست برنامه این هفته خود، سه فیلم کوتاه «۱۹-۱۵» به کارگردانی مهدی تنگستانی، «آوا» ساخته‌سهند کبیری و «مردی که آنجا نبود» به کارگردانی عطا مجایی را اکران می‌کند. در بخش دوم این نشست نیز مراسم رونمایی از فیلم کوتاه «شعله» به‌نویسندگی و کارگردانی مجتبی اسبنانی برگزار می‌شود. در خلاصه‌داستان این فیلم آمده‌است:برای افعلی‌ها، شعله فقط یک فیلم نیست، حتی در جنگ.

گفت‌وگوی اختصاصی با فیلم‌ساز مشهور اصفهانی؛ همایون اسعدیان

قهرمانان امروز سینمای ایران ابتر هستند

در ادبیات دراماتیک به‌هیچ‌عنوان به غرب نخواهیم رسید

زینب دبیری / گروه اصفهان z.dabiri@yahoo.com

شنیدن نام همایون اسعدیان کافی است تا با سرعت باورنکردنی خودم را به محل کتابخانه مرکزی برسانم و بتوانم ضمن ملاقات، گفت‌وگویی پیرامون فیلم‌ها و ایده‌های او داشته باشم. اسعدیان را همه با «طلا و مس» بی‌تظیرش می‌شناسند. به قول خودش ساخت این فیلم موجبات خشنودی و رضایت او را نیز فراهم کرده است و حتی می‌گوید: «اگر به‌مریم خوشحالم که با این فیلم اثر جوادانی از من باقی‌مانده است.» اما فیلم‌های دیگری نیز دارد که در ذهن مخاطب نقش بسته است؛ از جمله فیلم «آخر بازی» و بعدها فیلم «یک روز به‌خصوص» و حتی «بوسیدن روی ماه» که از او کارگردانی بی‌مانند ساخته، کارگردانی که عنصر انسانیت و اخلاق را سرمنشأ بسیاری از آثار خود قرار داده است. آنچه در ادامه می‌خوانید گفت‌وگوی صمیمی با این فیلم‌نامه‌نویس در زمینه فیلم‌ها و دوران فیلم‌نامه‌نویسی اوست:

شما در فیلم‌نامه‌نویسی مهارت و بزه‌ای دارید که در بسیاری از فیلم‌های تان به‌وضوح مشاهده می‌شود؛ اما از تمام این فیلم‌نامه‌ها که بگذریم فیلم «کلاه‌قرمزی و پسر خاله» برای تمام کودکان دهه شصت یک خاطره شیرین است که با فیلم‌نامه شما و کارگردانی ایرج طهماسب تهیه و پخش شد. می‌خواهم در رابطه با چگونگی ورود به این بخش بگویم.

اسعدیان: این فیلم به‌واسطه ارتباطی که من با آقایان طهماسب و جبلی داشتم، شکل گرفت. این دو مهارت خاصی در نگارش فیلم‌نامه برای تلویزیون داشتند؛ اما برای فیلم‌نامه سینمایی نیاز به یک فیلم‌نامه کانالیزه شده بود؛ بنابراین با توافق به‌عمل آمده بنده به‌عنوان مشاور تولید پروژه و مشاور کارگردان فعالیت خود را آغاز کردم، ایده‌ها از طرف آقای طهماسب بود و من با یادداشت‌برداری و مرتب‌کردن نظرات آنان و درنهایت برای این دو عزیز موفق به نگارش فیلم‌نامه و شدم که منجر به تولید فیلم‌نامه خوبی شد.

نمایش «ایران» در سالن سعدی به صحنه رفت

نمایش «ایران» به کارگردانی عاطفه نقوی در سالن سعدی حوزه هنری اصفهان به صحنه رفت.نمایش «ایران» که در ایام‌اله دهمه فجر با نام «ترانه‌های انقلاب» در جشنواره تئاتر روح‌اله مورد توجه قرار گرفت و از برگزیدگان این جشنواره بود، با حمایت حوزه هنری اصفهان در سالن سعدی روی صحنه‌رفته‌است.این تئاتر که به شیوه مونولوگ اجرا می‌شود به آخرین روزهای سال ۵۷ و حوادثی که منجر به انقلاب اسلامی شده است، می‌پردازد و حادثه سینمار کس آبادان و میدان ژاله محوریت موضوع اصلی این نمایش است. عاطفه نقوی، سیاوش مشتاقی، سنااز باذری،ملیحه نریمانی و امیر مختاریان در این تئاتر به ایفای نقش پرداخته‌اند.

بنابر این شما به رئال بودن فیلم علاقه زیادی دارید. به عبارتی معتقدید آنچه در فیلم بیان می‌شود باید در بسبست اجتماع هم قابل مشاهده باشد؟

اسعدیان: در فیلم‌های من این‌گونه است؛ اما واقعاً این‌گونه نیست که بخواهم بگویم فقط فیلم‌های رئال خوب است و نباید داستان تخیلی ساخت. در فیلم‌های رئال باید تماشاچی موضوع فیلم را احساس کند، با آن همراه شود و حتی آن را با زندگی خود مقایسه کند؛ اما اگر در بستر جامعه چنین چیزی نیست و یک فیلم کاملاً تخیلی است باید از ابتدا فیلم‌ساز یک کد به تماشاگر بدهد. با این کار بیننده متوجه می‌شود با یک داستان تخیلی روبه‌روست و به‌دنبال واقعیت در آن نواهدد.

بیشتر آثار شما در بسترهای اجتماعی و ناهنجاری‌هایی که در جامعه مشاهده می‌شود شکل می‌گیرد که البته عنصر اخلاقی سر آمد شما درباره مسائل اجتماعی چیست؟ اسعدیان: زمانی سراغ ساخت یک فیلم می‌روم که بینیم موضوعی آرام می‌دهد؛ حال این مسئله اجتماعی باشد یا اقتصادی و... به‌طورمثال، ایده فیلم «آخر بازی» که آن را خیلی دوست دارم به‌واسطه دیدن یک خواب در من ایجاد شد. در خواب من با یکی از دوستانم در گیر شدم که در حین درگیری دوستم را هل دادم و ناگهان سراسر او به کمد چوبی کنار دیوار افتاد و سبب مرگ او شد. در خواب من از خانه فرار کردم، درحالی‌که دچار آشفته‌گی روحی فراوانی بودم. این خواب دستمایه نگارش این فیلم‌نامه شد که چقدر یک اتفاق کوچک می‌تواند سرنوشت یک انسان را تغییر دهد و این همان عنصر تصادف است که در تمام لحظات زندگی ما وجود داشته و عامل تأثیرگذار در بسیاری از اتفاق‌های مهم زندگی است.

شما در ساخت سریال هم فعال بوده‌اید و سریال موفق «راه بی‌پایان» را ساختید که در زمان خود بیننده زیادی داشت، نحوه شکل‌گیری این داستان چگونه بود؟ اسعدیان: راه بی‌پایان نویسنده‌گی علیرضا بذرافشان و مهدی شیرزاد همراه بود. زمانی که فیلم‌نامه به دست من رسید احساس کردم بخش‌هایی از آن را درک نمی‌کنم، رابطه عاشقانه‌ای در فیلم‌نامه بود که من آن را احساس نکرده بودم؛ بنابراین لازم بود حس مشترک دختر و پسر داستان را درک کنم و با آنان کنار بیایم.

اشکال فیلم‌نامه درام نبودن آن بود. ببینید زمانی که شما کتاب حافظ را می‌خوانید ضمن لذت‌بردن از اشعار الهی و شاعرانه حافظ در زیر لایه‌های پنهان آن به دوران تاریخی که حافظ در آن زندگی کرده نیز سفر می‌کنید. درواقع اشکال ما در فیلم‌نامه‌این است که قادر نیستیم حرف‌ها و زندگی را با یک درام خانوادگی بیان کنیم و تنها به‌دنبال مسائل پیچیده و فلسفی هستیم که این به روند قصه‌گویی

راهیابی «کدو قلقله‌زن» به جشنواره تئاتر منطقه‌ای

نمایش «کدو قلقله‌زن» به‌نویسندگی و کارگردانی امید اجاقی به‌عنوان تنها نماینده اصفهان در دهمین جشنواره تئاتر منطقه‌ای کودک و نوجوان خوزستان حضور دارد. کارگردان این نمایش ضمن اعلام این خبر اظهار کرد: دهمین جشنواره تئاتر منطقه‌ای کودک و نوجوان خوزستان، در شهر دزفول برگزار می‌شود و از بین ۵۱ اثر رسیده به دبیرخانه این جشنواره تعداد هشت اثر موفق به راهیابی شدند که «کدو قلقله‌زن» نیز یکی از آن‌هاست. امید اجاقی تصریح کرد: این جشنواره از ششم تا هشتم اسفندماه در شهر دزفول برگزار می‌شود.



عکس: نسل فردا

چند هزار سال‌های دارد که ما از آن محروم هستیم.

بسه خلاقیّت در نگارش فیلم‌نامه اشاره کردید، با چه شیوه‌ای می‌توان این خلاقیّت را در فیلم‌نامه وارد کرد؟

اسعدیان: خلاقیّت در فیلم‌نامه و پیاده‌سازی آن مهم است؛ چه در سکانس‌بندی و چه نوع رفتار انسان‌ها با یکدیگر و برخی اوقات این جابه‌جایی سکانس‌هاست که سبب جذاب‌شدن فیلم می‌شود. در حال حاضر خلاقیّت در فیلم‌نامه بسیار کم شده است و سالیان سال طول می‌کشد تا افرادی مانند غلامحسین ساعدی، اسماعیل صادقی و... ایجاد شوند و شاهد فیلم‌های مانند گوزن‌ها، گاو و... باشیم.

از بهترین کارگردانان دفاع مقدس چه کسی موفق شد حس و حال جنگ را منتقل کند و به عبارتی آنچه را شما به‌عنوان خلاقیّت در فیلم‌نامه معرفی می‌کنید، منتقل کند؟

اسعدیان: به نظر من فیلم «سفر به چذابه» مرحوم رسول ملاقلی‌پور به‌دلیل همان استفاده از خلاقیّت در سکانس‌بندی از بهترین فیلم‌هایی است که در زمینه جنگ ساخته شده است. در جایی باز یگر اصلی فیلم در سنگر در حال راه رفتن است که بعد به‌طور ناگهانی به بیست سال پیش حرکت می‌کند، این تداخل زمانی که کارگردان فیلم به‌کاربرده دیوانه‌کننده است. ملاقلی‌پور در فیلم‌های خود به‌هیچ‌عنوان دنبال صحنه‌های اکشن نیست؛ بلکه دنبال این قضیه است تا من ببینم را به انسان‌های آن دوران نزدیک کند و از این طریق بتوانم حس و حال آنان را درک کنم.

اسعدیان: درام با شک و تردید شکل می‌گیرد و این در فیلم‌نامه در دست زمانی اتفاق می‌افتد که فیلم‌نامه‌نویس شخصیت‌های داستان را در یک چالش عمیق قرار می‌دهد که این شخصیت باید با این چالش روبه‌رو شود. یادم است زمانی که فیلم «طلا و مس» را ساختم سیدحسن خمینی از من پرسید: چرا اجازه ندادی سیدرضا به پرستار تمایل پیدا کند؟ آیا ترسیدی؟ بله اینجاست که من از سیدحسن و صحبت‌های او نحوه ساخت درام را آموختم.

دقت کردید چرا ضدقهرمان‌ها جذاب هستند؟ چون اصلاً قابل پیش‌بینی نیستند و این شخصیت‌ها هر چه‌قدر پیچیده‌تر باشند برای مخاطب از جذابیت بیشتری برخوردار هستند. چرا «بستانده در غبار» برای مخاطب سکانس‌های جذابی دارد؟ چون در فیلم قهرمان داستان «شهید موسلیان» کارهایی می‌کند که به نظر مخاطب جذاب و شگفت‌انگیز است و این قهرمان به‌هیچ‌عنوان کلیشه‌ای نیست.

در فیلم‌های غربی بارها مشاهده می‌کنیم که فیلمی از یک رمان برداشت شده اما این نمونه در ایران بسیار کم است، علت اصلی این موضوع چیست؟ اسعدیان: این به شکل‌گیری ادبیات دراماتیک برمی‌گردد. در آمریکا سالانه هزاران کتاب چاپ می‌شود که به‌شدت سینمایی هستند؛ اما در ایران از این گنجینه محروم هستیم. ایران سابقه خوبی در داستان‌گویی و حتی شعر دارد؛ به‌عنوان مثال، داستان‌های هزارویک‌شب یا نظامی گنجوی؛ اما این به ادبیات دراماتیک غرب بسیار متفاوت است. در غرب این ادبیات سابقه

ماضیه می‌زند.

در راه بی‌پایان دختر و پسری عاشق هم هستند و بنا به دلایلی این رابطه به‌هم خورده است؛ اما در کنار این داستان عاشقانه، داستانی دیگر در حال رخ دادن است. در اینجا با تولیدکننده پروتز روبه‌رو هستیم که خودش پول می‌دهد داستان را پیچیده و جذاب می‌کند.

شما درباره قهرمان‌سازی و قهرمان‌پروری صحبت کردید. این عنصر چرا در بسیاری از آثار فیلم‌سازان ایرانی دیده نمی‌شود؟ در حالی که در گذشته از این دست فیلم‌ها بسیار ساخته‌شده و حتی مورد استقبال زیاد نیز قرار گرفته است.

اسعدیان: ما در سینمای قبل از انقلاب قهرمان‌سازی داشته‌ایم؛ نمونه آن را می‌توان در فیلم «قیصر» مسعود کیمیایی مشاهده کرد؛ اما بعد از انقلاب با کشوری روبه‌رو بودیم که در آن زمان دچار اتفاق‌های مهمی شده بود: نخست با انقلاب و دولت جدیدی روبه‌رو بودیم و بعد اینکه بلافاصله جنگ رخ داد و شرایط اجتماعی مردم دچار تغییراتی شد. در آن زمان با مسائل رئال و بسترهای اجتماعی مواجه بودیم که سرشار از قهرمان بود.

البته امروزه این دیدگاه بسیار تغییر یافته و نیاز به قهرمان‌سازی در برخی فیلم‌ها احساس می‌شود؛ اما اشکال این است که بسیاری از قهرمانان ما ابتر هستند. برای ساخت یک درام ایده‌ال نیازمند قهرمان هستیم که این امر به بسترسازی مناسب در این زمینه نیاز دارد.

بسه موضوع‌های درام و شکل‌گیری قهرمان در آن اشاره کردید، برای ساخت یک درام خوب باید سراغ چه مؤلفه‌هایی رفت؟



سینمایی طلا و مس



سینمایی یک روز به‌خصوص

نقش «وزیر» در نمایش سیندرلا و منیژه به صحنه تئاتر بازگشته است درباره این نمایش اظهار کرد: یکی از دلایلی که موجب شد بازی در نمایش «سیندرلا و منیژه» را بپذیرم این بود که بیوندنسل جوان تئاتر را با نسل گذشته آن حفظ و تقویت کنم و احساس کردم این علاقه به هم‌کاری، در بین جوانان وجود دارد. کارگردان این نمایش کار جمعی را روی صحنه برده و باید از آن حمایت کرد. مهم‌ترین ویژگی این نمایش مردمی بودن آن است و جالب اینکه عکاسی که عکس‌های او به‌واسطه این نمایش بار دیگر در معرض دید عموم قرار گرفته، در یکی از شب‌های اجرا به تماشا می‌آمد و نشست و بسیار خوشحال شد. خوشاوری با اشاره به بار طنز نمایش گفت: تلاش ما بر این بود که حین اجرا موقعیت‌های طنز نمایش را برجسته کنیم، اگر چه تصمیمی برای اینکه نمایش به سمت وسوی طنز کشیده نشود، نداشتیم.

بیژن گنجعلی، دیگر هنرمند پیشکسوت تئاتر که در این نمایش ایفاگر نقش «شاه» است درباره «سیندرلا و منیژه» اظهار کرد: با توجه به اینکه یکی دو بار در دیگر نمایش‌ها نقش «شاه» را اجرا کرده بودم، پس از خواندن متن، ویژگی‌های خاصی را در این نقش مشاهده کردم و تصمیم گرفتم آن را برجسته‌تر کنم. بسیار خرسندم که یک خانم با تمام وجود وارد این عرصه شده و همچنین در کنار جوانان در نمایش «سیندرلا و منیژه» ایفای نقش می‌کنم.

اکبری آشناشدم که یکی از عکاسان بزرگ در حوزه دفاع مقدس، سینما و طبیعت است و آن‌طور که باید و شاید حششان ادا نشده است. این هنرمند عکس‌های بسیار زیبایی از مردم افغانستان ثبت کرده و وقتی متوجه شدم هنرمندان افغانستانی فعل شهرمان با وجود اینکه تحصیل کرده‌هستند و رتبه‌های کشوری دارند، مورد آزار و اذیت برخی از هم‌وطنان ناآگاه قرار می‌گیرند، تصمیم گرفتم با تکبیه بر مجموع این مضامین قصه «سیندرلا و منیژه» را بنویسم. فردیون خسروی، نویسنده و کارگردان نیز در این مسیر یاری‌گرم بود. این کارگردان با اشاره به موافقی که بر سر راه او بوده است، اظهار کرد: حمایتی برای اجرای این تئاتر سنگین از من نشده؛ اما چون دغدغه آن را داشتم، گنجیدم و نهایت تلاشم را برای به صحنه‌بردن این انجام دادم. حدود یک ماه مردم حله انتخاب باز یگر طول کشید و سوله‌ای را در اطراف اصفهان برای تمرین چهارماهه گسروه اجاره کردم. گروه اگر ویات نمایش را نیز به‌صورت جداگانه در یک باشگاه تمرین می‌دادم تا در نهایت «سیندرلا و منیژه» آماده اجرا شد. به جنبه‌های بصری کار اهمیت بسیاری دادم؛ چرا که معتقدم به چشم تماشاگر باید احترام گذاشت و دوست دارم مخاطب‌ها با حس خوب سالن نمایش را ترک کنند. این نمایش تلفیقی از انیمیشن و تئاتر است، صحنه‌ها و دکور آن قابل پیش‌بینی نیست و موضوع آن تمام طیف‌های سنی را در برمی‌گیرد. احمد خوشاوری، هنرمند پیشکسوت تئاتر که پس از هفت سال با ایفای

کارگردان نمایش «سیندرلا و منیژه» گفت: «سیندرلا» یک نام جهانی است، همه ملت‌ها این قصه را می‌شناسند، با دردهای این شخصیت اندوهناک شده و با شادی او خندیده‌اند. به گزارش ایمنّا، بیش از شانزده روز است که نمایش «سیندرلا و منیژه» با نقش آفرینی بزرگانی چون احمد خوانساری و بیژن گنجعلی در هنرسرای خورشید اجرا می‌شود و فرانک کیانی، نویسنده و کارگردان این نمایش با آمیختن دغدغه‌های گوناگون خود توانسته است نمایشی تلفیقی را بر صحنه، به سماع و نظر مخاطبان خود برساند. وی در رابطه با ایده نوشتن این نمایشنامه به خبرنگار ایمنّا گفت: سال‌ها از روزی داشتم که نمایش سیندرلا را روی صحنه اجرا کنم و حس می‌کردم که دختران سرزمینم دوست دارند از نزدیک با این قصه ارتباط برقرار کنند. سیندرلا یک نام جهانی است. تمام ملت‌ها این قصه را می‌شناسند، با دردهای این شخصیت اندوهناک شده و با شادی او خندیده‌اند. این بهانه خوبی بود تا منیژه‌ما با سیندرلا هم‌سو و هم‌درد شود؛ چرا که هر دو سخت گرفتار و نیازمند معجزه‌اند. فرشته‌ای باید آنان را از دام بایا برهاند و این‌طور نیز می‌شود. حین پیاده‌کردن این نمایشنامه به این فکر کردم که سیندرلا را با قصه‌ای ایرانی پیوند دهم و معجزه پیداشدن کفش او را در عالم واقع با معجزه‌های دیگری که هر روز رخ می‌دهد و ما گاهی از آن بی‌خبریم، تلفیق کنم. کیانی ادامه داد: در این زمینه مطالعات لازم را انجام دادم و حین کار فردی به نام آقای

درباره نمایش «سیندرلا و منیژه»

منیژه ماو سیندرلای آنان

